

رودر رو

## دزدی به خاطر گُری خوانی جوان بولداز

این جوان مدتی است به خاطر سرقت های هیجانی در بازداشت پلیس به سر می برد و جالب این که هیچ نیازی به پول برای انجام این سرقت ها نداشته و تنها از روی کُری خوانی و هیجان دست به دزدی زده است.

آرش جوان ثروتمندی است که هنوز باور ندارد در بازداشت پلیس است و به خاطر یک اشتباه، آبروی خانوادگی اش را به باد داده است:

**■ سابقه داری؟**  
نه، تا حالا خلاقی نکرده ام یعنی نیازی نداشتم که خلاف کنم.  
**■ پس الان به چه جرمی دستگیر شدی؟**  
دزدی.  
**■ شیوه و شگرد؟**  
با موتور دست به گوشی قاپی می زد.

**■ چرا دزدی کردی؟**  
یک شب در خانه مجردی ام با دوستانم نشسته بودم و بحث کل کل شد که یکی از بچه ها گفت اگر خیلی زرنگی دزدی کن.

**■ مخالفت نکردی؟**

ابتدا مخالفت کردم اما وقتی دیدم اگر قبول نکنم پیش دوستانم ضایع می شوم بعد از کُری خوانی با آن ها پذیرفتم این کار را انجام دهم.

**■ شنیدم بچه پولدار می؟**  
بله، یک خانه مجردی و یک خودروی لوکس دارم و هیچ وقت احساس کمبود در زندگی ام نداشتم.

**■ تنهایی دزدی می کردی؟**

بله، سوار بر موتور آپاچی دزدی می کردم.

**■ چه مدت قرار بود دزدی کنی؟**

یک ماه، هر شرط بندی کرده بودم که در مدت یک

ماه ۱۰۰ گوشی سرقت کنم.

**■ با گوشی های سرقتی چه کردی؟**

همه آن ها داخل خانه است و نفروختم.

**■ تصمیم داشتی با گوشی ها چه کنی؟**

فکر خاصی نکرده بودم شاید بعد از این که شرط

رامی برم یا شماره های داخل گوشی ها تماس

می گرفتم و آن ها را به صاحبانش پس می دادم.

**■ فکر نمی کردی دستگیر شوی؟**

نه، چون تازه کار بودم فکر نمی کردم دستگیر

شوم، حتی یک کلاه نقابدار می گذاشتم که

شناسایی نشوم اما نمی دانم چطور پلیس مرا

ردیابی کرد.

**■ گوشی قاپی را چطور یاد گرفتی؟**

کار خاصی نیست فقط باید نترس و موتور سوار

حرفه ای باشی.

**■ چطور دستگیر شدی؟**

داخل خانه بودم که زنگ را زدند، فکرمی کردم

یکی از دوستانم باشد، وقتی در باز کردم دیدم

پلیس با حکم قضایی وارد خانه شد و همان جا

دستبند به دستانم زد.

**■ خانواده ات اطلاع دارند دستگیر شدی؟**

بله، نمی توانم به چشمان پدر و مادرم نگاه کنم،

آن ها به من اعتماد داشتند و فکر نمی کردند

دست به این کار بزنم و باعث بی آبرویی شان

شدم.

**■ شنیدم گفتی از روی هیجان دزدی می**

**کردی؟**

ابتدائی خواستم کسی متوجه این کُری خوانی

شودو گفتم از روی هیجان این کار را کردم.

**■ هیجان داشت؟**

بله، قبل و بعد از سرقت هیجان زیادی داشتم و

یک شرایط جدید، آنچیزی می کردم.

**■ اگر گوشی خودت را سرقت کنند چه حسی**

**داری؟**

واقعا ناراحت می شوم، حتی من که قادر به خرید

گوشی تلفن همراه هستم بر ایتم سخت است.

**■ خوب چرا دزدی کردی؟**

باور کنید من همه گوشی ها را پس می دادم، من

دزد نیستم و فقط به خاطر یک کُری خوانی دست

به این کار بچگانه زدم.

**■ آزاد شوی یا دوستانت همراه می شوی؟**

نه مثل قدیم، چون اگر آن ها دوست بودند هیچ

وقت از من نمی خواستند دست به این کار بزنم.

حالا فهمیدم که آن ها به خاطر حسادت به من،

قصد داشتند آبرویم را ببرند و مرا نزد خانواده ام

خراب کنند. می دانم آن ها وقتی شنیدند من

دستگیر شدم شاد شدند چون هیچ کدام از آن

ها به غیر از دو تن از دوستان صمیمی ام پیگیر

کارهایم نشدند.

**■ معنای رفاقت چیست؟**

رفاقت یعنی برادر، یعنی کسی که در همه شرایط

پشتت باشد، درست است من وضعیت مالی

خوبی دارم ولی بعضی اوقات از نظر روحی و

روانی بهم می ریختم و فقط دو تن از دوستانم

بودند که در شرایط سخت پشت مرا خالی

نکردند و با من همراه شدند.

**■ حرف آخر؟**

به قول یکی از دوستان، رفاقت تاوان دارد، من

تاوانش را دادم تا دوستان واقعی ام را بشناسم

و در آخر به عنوان یک جوان می گویم که رفیق

بازی اندازه دار دو اولویت هر کسی باید در ابتدا

خانواده اش باشد و راه خلاف به هیچ جایی

نمی رسد.

# سرقت های داماد

## تهرانی به خاطر جشن

## عروسی مجلل

تازه داماد تهرانی که به خاطر برگزاری جشن عروسی مجلل بدهکار شده بود باند سرقتی را تشکیل داد.

این تازه داماد وقتی خود را در یک قدمی پلیس دید پا به فرار گذاشت و در یک تعقیب و گریز پلیسی دستگیر شد.

عصر آخرین روزهای مرداد امسال بود که خانواده ای در تماس با ماموران پلیس از به سرقت رفتن وسایل داخل خانه شان خبر دادند و تیمی از ماموران برای تحقیقات پلیسی وارد عمل شدند.

ماموران با حضور در محل سرقت پی بردند که اهالی خانه وقتی پس از سفر به تهران به شهرشان بازگشتند با به هم ریختگی داخل خانه رو برو و در بررسی هایشان متوجه دزدیده شدن طلاها و وسایل با ارزش داخل خانه شدند.

**■ تحقیقات پلیسی**

ماموران در بررسی داخل خانه پی بردند که دزدان از مسیر بالکن وارد خانه شده و دست به سرقت میلیونی طلا و پول هازداند.

تحقیقات میدانی آغاز شد و ماموران پی بردند در نزدیکی این ساختمان یک دوربین مدار بسته

که متعلق به یک شرکت تجاری است نصب شده است.

به این ترتیب فیلم دوربین مدار بسته مورد بازبینی قرار گرفت و ماموران مشاهده کردند

سه مرد با کلاه های نقابدار پس از سرقت، سوار

بر خودروی پراید سفید رنگ شدند و به سرعت

پا به فرار گذاشتند.

ماموران در این مرحله شماره پلاک پراید دزدان

را در سامانه پلیس ثبت کردند و تحقیقات برای

دستگیری دزدان به صورت ویژه آغاز شد.

**■ بازداشت سارق جوان**

شمار پلاک خودروی دزدان در اختیار تیم های

گشت پلیسی قرار داشت تا این که در آخرین

روزهای تابستان امسال ماموران پلیس در جاده

ای خارج از شهر به پراید سفید رنگی مشکوک

شدند و در بررسی شماره پلاک خودرو متوجه

شدند که این پراید همان خودروی دزدان تحت

تعقیب است.

همین کافی بود تا دستور ایست برای راننده

پراید صادر شود اما راننده که مرد جوانی بود

بدون توجه به دستور ایست پلیس به سرعت خودرویش افزود و سعی داشت با حرکات

مارپیچ از سایه پلیس فرار کند که ماموران پس

از یک تعقیب و گریز طولانی موفق شدند پراید

را متوقف و مرد جوان را که پشت فرمان بود

دستگیر کنند.

**■ گریه های تازه داماد**

کامبیز ۲۸ ساله ابتدا سعی داشت خود را بی گناه معرفی کند اما وقتی داخل خودرویش یک

زنجیر طلای سرقتی مشاهده شد شروع به گریه

کرد و گفت که تازه داماد است و به خاطر نیاز به

پول با دوستانش از تهران به شهرهای مختلف

می رفته و دست به سرقت زده است.

اعترافات پسر جوان کافی بود تا ماموران در

دو عملیات همزمان، همستان کامبیز را در

مخفیگاهشان دستگیر کنند و در بازرسی از

خانه متهمان وسایل با ارزش و طلای سرقتی

به دست آمد.

کامبیز که به تازگی داماد شده است می گوید

هزینه جشن عروسی ام زیاد شده بود و چون

سرمایه ای نداشتم از چند نفر پول قرض گرفتم

اما وقتی دیدم نمی توانم پولشان را بازگردانم

مجبور شدم پیشنهاد دوستانم را بپذیرم.

**■ شنیدم سرقت را چه کسی طراحی کرد؟**

نه، من یک کارگر هستم که هیچ وقت به فکر

خلاف و دزدی نبودم.

**■ تحصیلات؟**

دیپلم.

**■ چرا دزدی کردی؟**

بدهکار بودم.

**■ چقدر؟**

۲۰ میلیون تومان.

**■ چرا؟**

در جشن عروسی ام هزینه زیادی کرده بودم و

چون سرمایه ای نداشتم از چند تن از دوستانم

پول قرض گرفتم و فکر می کردم می توانم با

پولی که در شب عروسی جمع می شود بخشی

از بدهکاری ام را بپردازم اما پول زیادی جمع

نشد و بدهکار ماندم.

**■ چطور به فکر دزدی افتادی؟**

دو تن از دوستانم که می دانستم دزدی می کنند

با من تماس گرفتند و وقتی فهمیدند که بدهکار

## بررسی حوادث



هستم پیشنهاد دادند که همراه آن ها به سرقت بروم تا بتوانم خیلی زود بدهی ام را بپردازم.

**■ پذیرفتی؟**

بله، چون هیچ راه دیگری برای برگرداندن پول

ه نداشتم.

**■ چقدر حقوق می گیری؟**

دو میلیون تومان که اجاره خانه هم باید بدهم

و چیزی برای پس انداز و پرداخت بدهی برایم

نمی ماند.

**■ خانواده ات کمکت نکردند؟**

پدر و مادرم زیاد راضی به ازدواج با همسر

نبودند به همین دلیل حمایت نکردند.

**■ چرا؟**

من و همسر دو سال با هم دوست بودیم و مادر

دوست داشت من با دختر خاله ام ازدواج کنم

در صورتی که من تصمیم خودم را گرفته بودم.

**■ نقشه سرقت را چه کسی طراحی کرد؟**

نقشه خاصی نبود، سیاوش سابقه دار بود و

سناریوی سرقت ها را با او انجام دادیم فقط باید

در تهران هیچ سرقتی نمی کردیم و با سفر به

شهرهای مختلف در آن شهرها دست به سرقت

می زدیم و سریع به تهران بر می گشتیم.

**■ خانه ها را چطور شناسایی می کردی؟**

آخر هفته ها در خیابان ها پرسه می زدیم و زنگ

خانه هایی را که چراغشان خاموش بود به صدا

در می آوردیم، در صورتی که کسی پاسخ نگوید

چند دقیقه ای به کمین می نشستیم و سپس

با اطمینان از این که کسی داخل خانه نیست

دست به کار می شدیم.

**■ چه خانه هایی را بیشتر هدف سرقت قرار**

**می دادی؟**

خانه های شمالی و طبقه اول که دسترسی به آن

ها راحت تر بود.

**■ توجه نقشی در باند داشتی؟**

روزهای نخست من بیرون از خانه و سوار بر

شدم مراسم مجللی بگیرم.

پسر دانش آموز به خاطر یک سرماخوردگی به

بیمارستان رفت و دیگر به خانه بازنگشت. او به

خطر قصور پزشکی روی تخت بیمارستان تسلیم

مرگ شد. روز چهارشنبه ۲۱ فروردین امسال پسر

۱۳ ساله ای به دلیل سرماخوردگی شدید همراه

خانواده اش به بیمارستان به پاس پذیرش رفت و در

حالی که روی پایش یک لکه قرمز بزرگ شکمعالج

درخواست کرد که MRI بگیرد تا علت قرمزی

روی پایش مشخص شود. این پسر دانش آموز در

حالی که به خاطر سرماخوردگی در بیمارستان

بود مسئولان MRI را انجام ندادند و تنها دو آمپول

پنی سیلین و آسپرین به او تجویز و پسر بچه را

راهی خانه شان کردند. پسر ۱۳ ساله که حالش

خوب شده بود به خانه رفت اما ظهر ساعت یک

بود که حال این دانش آموز بد شد و خانواده اش او

را به بیمارستان شهید لوازانی رساندند. ساعت

## تحلیل کارشناس تفاهر اجتماعی که مجرم ساز است

دکتر علیرضا شریفی یزدی  
جامعه شناس و استاد  
دانشگاه



برخی جوانان برای رسیدن به دختر مورد علاقه شان تصمیمات غیرمنطقی می گیرند که به قیمت تباه شدن زندگی شان تمام می شود. این جوانان به دلیل ناپختگی های روحی و روانی هنگامی که می خواهند تشکیل خانواده دهند برای به دست آوردن دختر مورد علاقه شان خرج ها و هزینه های هنگفت و غیرمتعارفی را به خود و خانواده شان تحمیل می کنند و با تجملات و اشرافی گری پدیده اجتماعی شومی را رقم می زنند که در

برخی پرونده ها دیده می شود این افراد به دلیل اقدامات غیرمنطقی کارشان به جرم، بزه و سرقت منجر شده است. مقوله اشرافی گری در مراسم ازدواج سال های سال است که به یک سنت اشتباه تبدیل شده و در میان خانواده ها رواج یافته است. اغلب این جوانان به دلیل ساده لوحی و سادگی به تجملات علاقه مند می شوند و حتی برخی از آن ها تحت تاثیر خانواده ها و بزرگترهای خود این فرهنگ نامناسب را روال زندگی شان می کنند.

برخی از این روش های ناپسند از سوی خانواده ها به جوانان تحمیل می شود و اشاعه این فرهنگ اشتباه و ارزش گذاری این چنینی در شروع و زندگی مشترک عامل اصلی بسیاری از اتفاقات میان زن و شوهرها می شود که برای رسیدن به اهداف غیرمعقول و غیرمنطقی شان مجرم می شوند. تفاهر اجتماعی و هزینه های گزاف در مراسم عروسی هیچ تاثیر مثبتی در زندگی زوج های جوان ندارد و حتی گاهی دیده می شود رابطه زن و شوهر را به سردی می کشاند و تاثیرات منفی در زندگی آن ها دارد.

وقتی یک جوان خارج از توانایی و توانمندی خود برای مراسم عروسی اش هزینه های نامتعارفی را به خود تحمیل کند مجبور می شود در آینده برای اهداف و آرزوهای همسرش مرتکب سرقت، فروش قاچاق، بزهکاری و جرم های خرد و کلان شود. چه سال جوانان مثبت و سالمی که برای پاسخ گویی به نیازهای غیرمتعارف همسر خود و خانواده شان وزیاده خواهی های آن ها به مجرمان حرفه ای تبدیل و ناچار شده اند رفتارهای غیرقانونی و غیراخلاقی انجام دهند.

## بشت پرده مرگ تلخ دانش آموز تهرانی

۳ظهر بود که این دانش آموز تهرانی روی تخت بیمارستان شهید لوازانی بستری شد و پزشکان در همان بررسی ابتدایی به خانواده اش اعلام کردند که آمادگی هر اتفاقی را داشته باشند. عقره به ها ساعت ۴ عصر را نشان می داد که این پسر روی تخت بیمارستان به کام مرگ فرو رفت و تلاش پزشکان برای نجات جان این دانش آموز بی فایده ماند. بازپرس غلامی از شعبه ۲ دادسرای امور جنایی تهران در این مرحله دستور داد تا جسد پسر ۱۳ ساله به پزشکی قانونی منتقل شود تا علت مرگ مورد بررسی قرار گیرد. با گذشت حدود هفت ماه از مرگ تلخ پسر ۱۳ ساله، پزشکی قانونی در نظریه ای علت مرگ را مسمومیت دارویی اعلام کرد و خانواده این پسر با حضور در دادسرای امور جنایی از دو بیمارستانی که فرزندشان تحت نظر قرار داشت اعلام شکایت کردند.

ارسال به سراسر نقاط مشهد

۹۵۱۵

شعبه دیگری ندارد

رستوران

مرغ فقط مرغ مجید

بلوار فرودگاه، نبش

پروین اعتصامی ۶

رستوران مجید

۳۳ ۴۴ ۳۳ ۴۴

صادر و پرونده به شعبه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد. او پای میز محاکمه ایستاد و به درخواست اولیای دم، به قصاص، ۱۰ سال زندان و ۷۴ ضربه شلاق محکوم شد.

**■ بخشش**

در حالی که این حکم در دیوان عالی کشور مهر تایید خورده بود، وی می توانست رضایت اولیای دم را جلب کند.

**■ در دادگاه**

متهم دیروز در جلسه دادگاه به ریاست قاضی زالی بوبینی و با حضور یک قاضی مستشار از جنبه عمومی جرم پای میز محاکمه ایستاد. وی گفت: حدود شش سال است که در زندان هستم. در این مدت خودم و خانواده ام سختی زیادی کشیدیم و من به اندازه کافی تنبیه شده ام. ما با سختی زیاد توانستیم رضایت اولیای دم را جلب کنیم. من می دانم اشتباه کرده ام و حالا از قضات دادگاه تقاضا دارم به خاطر خانواده ام در مجازات تخفیف قائل شوند. قول می دهم پس از آزادی گذشته ام را جبران کنم. بنابه این گزارش، در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند تا رای صادر کنند.

وی گفت: من به پول نیاز داشتم به همین دلیل به حوالی فرودگاه رفتم تا با خودروام کار کنم. من اکبر را به عنوان مسافر سوار خودرو کردم اما وقتی فهمیدم که تاجر است و برای تجارت به تهران آمده تصمیم به سرقت اموالش گرفتم. من او را با چاقو کشتم و سپس ۳۰۰ هزار تومان پول نقدی را که همراه داشت به همراه گوشی تلفن همراهش برداشتم. چندروز بعد از این ماجرا اسم کارتم را داخل تلفن همراه او گذاشتم که از این طریق بازداشت شدم. جواد اما چندروز بعد اعتراف هایش را پس گرفت و ادعا کرد در پلیس آگاهی تحت فشار روحی به قتل مرد تاجر اعتراف کرده است. وی حرف های تازه ای را مطرح کرد و گفت: من در یک آژانس کار می کردم و گوشی تلفن همراه را از آن جا برداشتم. من نمی دانم گوشی متعلق به چه کسی بوده است. با اظهارات جدید این مرد، پلیس به آ